

بررسی اصول دیپلماسی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم
دراسة مبادئ دبلوماسية الرسول الكريم صلی الله علیه وسلم

Examining the Principles of Diplomacy of the Prophet Mohammad (PBUH)
Hz. Peygamber'in (s.a.s.) Diplomasi İlkelerinin Analizi

محمد میرزایی^۱ ولی الله امین^۲

چکیده

امروز دیپلماسی از مهم ترین مباحث علوم سیاسی و روابط بین الملل به شمار می رود و تبیین صحیح این مفهوم، نقش اساسی در شناخت سازوکارهای تعامل میان دولت ها دارد. تحقیق حاضر با محوریت بررسی دیپلماسی و سیاست خارجی از منظر علمی و تحلیل سیره سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، تلاش می کند تا ارتباط میان نظریه های دیپلماتیک و رفتار عملی دولت نبوی صلی الله علیه و سلم را روشن سازد. موضوع این تحقیق بر دو بخش اصلی متمرکز است: نخست به تبیین چارچوب مفهومی موضوع پرداخته شده و ثانیاً اصول و اهداف دیپلماسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در دوره شکل گیری دولت اسلامی به بحث و تحلیل گرفته شده است. اهداف این تحقیق شامل: تبیین دقیق و نظام مند دیپلماسی، استخراج اصول و اهداف دیپلماسی اسلام بر اساس قرآن کریم و سیره نبوی صلی الله علیه و سلم است. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر علمی و مطالعات معاصر روابط بین الملل انجام شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که دیپلماسی به عنوان ابزار اجرای سیاست خارجی، جایگاه مستقل از سیاست خارجی به عنوان جهت گیری کلان دولت دارد. اصول بنیادین سیاست خارجی اسلام مانند: نفی سبیل، دعوت، عزت اسلامی و وفای به عهد در سیره پیامبر صلی الله علیه و سلم به صورت عملی تحقق یافته و اهداف کلان دیپلماسی نبوی شامل دعوت جهانی، ایجاد صلح، تثبیت امنیت و توسعه حاکمیت اسلامی بوده است.

کلمات کلیدی: اسلام، اصول، اهداف، دیپلماسی، سیاست خارجی

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diwan.2026.219>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

01.13.2026

تاریخ قبول / Accepted Date

04.15.2026

تاریخ نشر / Publication Date

28.07.2026

^۱ پوهنمل، دیپارتمنت علوم سیاسی و روابط بین الملل پوهنچی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون جوزجان.

^۲ پوهنمل، دیپارتمنت علوم سیاسی و روابط بین الملل پوهنچی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون جوزجان.

ORCID

[0009-0005-5412-4409](https://orcid.org/0009-0005-5412-4409)

[0009-0008-1423-6707](https://orcid.org/0009-0008-1423-6707)

E-Mail

mohammadmerzayi1987@gmail.com

Waliullah.amin1367@gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین Turnitin بررسی شده Plagiarism یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

This article has been scanned by Turnitin.
No Plagiarism detected.



نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی / Atif :

محمد میرزایی و ولی الله امین، "بررسی اصول دیپلماسی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم"، مجله دیوان ۲/۷ (سرطان ۱۴۰۵)، ۲۲۱-۲۴۵.

الملخص

تعد الدبلوماسية اليوم من أهم مباحث العلوم السياسية و العلاقات الدولية. و تبين هذا المفهوم صحيحاً، له دور أساسى فى معرفة آليات التفاعل بين الدول . و يحاول البحث الحالى بتركيزه على دراسة الدبلوماسية و السياسية الخارجية من منظر علمي و تحليل السيرة السياسية للنبي الأكرم صلى الله عليه وسلم، ليوضح العلاقة بين النظريات الدبلوماسية و السلوك العملى للدولة النبوية . يركز موضوع هذا البحث على قسمين رئيسين : القسم الأول : يشرح الإطار المفهومى للموضوع ، و القسم الثانى : يناقش و يحلل أصول و أهداف دبلوماسية النبي محمد (صلى الله عليه وسلم) فى فترة تأسيس الدولة الإسلامية. أهداف هذا البحث تشمل: الشرح الدقيق و المنهج (المنظم) للدبلوماسية ، و استخراج أصول و أهداف دبلوماسية الإسلام ألتى على أساس القرآن الكريم و السيرة النبوية . و قد تم إجراء هذا البحث بالمنهج الوصفى التحليلي و بالإعتماد على المصادر العلمية المعتمدة و الدراسات المعاصرة فى الروابط الدولية. و تظهر نتائج البحث أن الدبلوماسية، بوصفها أداة لتنفيذ السياسة الخارجية ، لها مكانة مستقلة عن السياسة الخارجية ألتى تمثل التوجه العام للدولة. أصول رئيسى السياسة الخارجية، مثل: نفي السبيل ، الدعوة ، العزة الإسلامية و الوفاء بالعهد سيرة النبي صلى الله عليه وسلم قد تحققت بشكل عملى. كانت أهداف كبرى الدبلوماسية : الدعوة العالمية ، إحداث الصلح ، تثبيت الأمن و توسيع الحاکمية الإسلامية.

الكلمات المفتاحية: الإسلام ، الأصول ، الأهداف ، الدبلوماسية ، السياسة الخارجية

Abstract

Today, diplomacy is regarded as one of the most significant fields within political science and international relations. A proper understanding and accurate conceptualization of diplomacy play a fundamental role in identifying the mechanisms governing interactions among states. The present study, with a particular focus on examining diplomacy and the foreign policy of Islam through an analysis of the political conduct of the Holy Prophet Muhammad (PBUH), seeks to clarify the relationship between diplomatic theories and the practical behavior of the Prophetic state. The study is structured around two principal dimensions. First, it provides a conceptual framework for diplomacy; second, it examines the foundations and objectives of the diplomacy of the Holy Prophet Muhammad (PBUH) during the formative period of the Islamic state. The objectives of this research include offering a precise and systematic understanding of diplomacy, as well as extracting the principles and goals of Islamic diplomacy based on the Holy Qur'an and the Prophetic tradition (Sunnah). This research employs a descriptive-analytical approach and draws upon historical, interpretive, and contemporary sources in the field of international relations. The findings reveal that diplomacy

serves as an instrument for the implementation of foreign policy and occupies an independent and strategic position in shaping the broader orientation of states. Furthermore, the fundamental principles of Islamic foreign policy—including peaceful invitation (Da‘wah), Islamic dignity, and commitment to agreements—were practically manifested in the conduct of the Holy Prophet (PBUH). The broader objectives of Prophetic diplomacy are found to include the promotion of peace, security, and the expansion of Islam at the global level.

Keywords: Islam, Principles, Objectives, Diplomacy, Foreign Policy

Özet

Günümüzde diplomasi, siyaset bilimi ve uluslararası ilişkiler alanlarında en önemli konulardan biri olarak kabul edilmektedir ve bu kavramın doğru bir şekilde açıklanması, devletler arasındaki etkileşim mekanizmalarının anlaşılmasında temel bir rol oynamaktadır. Diplomasi ve dış politikanın bilimsel incelenmesi ile İslam devletinin kurulması sürecinde Peygamber Efendimiz’in (sav) siyasi uygulamalarının analizine odaklanan bu çalışma, diplomatik teoriler ile Peygamber Efendimiz’in (sav) devletinin pratik uygulamaları arasındaki ilişkiyi aydınlatmayı amaçlamaktadır. Araştırma iki ana bölüme odaklanmıştır: İlk olarak, konunun kavramsal çerçevesi açıklanmakta; ikinci olarak ise İslam devletinin kurulması sürecinde Hz. Peygamber’in (sav) diplomasisinin ilke ve hedefleri tartışılmakta ve analiz edilmektedir. Bu araştırmanın amaçları arasında, diplomasiğin kesin ve sistematik bir şekilde açıklanması ile Kur’an-ı Kerim ve Hz. Peygamber’in (sav) sünnetine dayalı olarak İslam diplomasisinin ilke ve hedeflerinin ortaya çıkarılması yer almaktadır. Bu çalışma, betimsel-analitik bir yöntem kullanılarak, güvenilir akademik kaynaklardan ve çağdaş uluslararası ilişkiler alanında yazılan çalışmalarından yararlanarak yürütülmüştür. Bulgular, dış politikayı uygulamaya yönelik bir araç olarak diplomasiğin, hükümetin genel yönelimi olan dış politikadan bağımsız bir konuma sahip olduğunu göstermektedir. Kafirlerin tasallutunun yasaklanması, davet, İslami haysiyet ve antlaşmalara sadakat gibi İslam dış politikasının temel ilkeleri, Hz. Peygamber'in (sav) davranışlarında pratikte hayata geçirilmiştir; diplomasi faaliyetlerinin genel hedefleri ise evrensel davet, barışın tesis edilmesi, güvenliğin sağlanması ve İslami yönetimin yaygınlaştırılmasını içermektedir .

Anahtar Kelimeler: İslam, İlkeler, Hedefler, Diplomasi, Dış Politika

مقدمه

دیپلماسی و سیاست خارجی یکی از بنیادی‌ترین مباحث در حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی است. بسیاری از تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دولت‌ها بر پایه اصول و ابزارهایی شکل می‌گیرد که دیپلماسی آن را مدیریت و تنظیم می‌کند. از این رو، تحلیل علمی و نظام‌مند مفهوم دیپلماسی، ابزارها، ساختارها و اهداف آن، جایگاهی ویژه در ادبیات سیاسی معاصر دارد. با وجود گسترش روزافزون مطالعات مربوط به نظریه‌های روابط بین‌الملل، یکی از حوزه‌هایی که همچنان نیازمند بازخوانی دقیق است، پیوند میان دیپلماسی کلاسیک و آموزه‌های دینی، به‌ویژه سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم، می‌باشد. دولت نبوی نخستین تجربه حکومت اسلام بود که در آن عناصر اخلاقی، سیاسی و اجتماعی در هم آمیخته و نمونه‌ای بدیع از دیپلماسی دینی در تاریخ بشر به نمایش گذاشته شده است.^۱

در تحقیق حاضر مسئله اساسی تحلیل رفتار دیپلماتیک پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم و استخراج اصول و اهداف سیاست خارجی اسلام از سیره عملی آن حضرت می‌باشد. اینکه پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم در نخستین سال‌های دولت اسلامی چگونه از ابزارهای دیپلماتیک برای تأمین وحدت اجتماعی، دعوت به اسلام، ایجاد صلح و توسعه قلمرو سیاسی بهره برده است، محور اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

قابل ذکر میدانیم که این تحقیق از چند جهت ضرورت نظری و عملی دارد. نخست آنکه در جهان امروز، جوامع اسلامی با چالش‌های گسترده‌ای در عرصه سیاست خارجی روبه‌رو هستند؛ چالش‌هایی که گاه ناشی از برداشت‌های نادرست از سیاست خارجی اسلامی و گاه حاصل خلأ نظری در تبیین ماهیت دیپلماسی نبوی است. تحقیق حاضر تلاش می‌کند پایه‌ای معتبر برای فهم صحیح دیپلماسی در اسلام ایجاد کند. هکذا، دلیل دیگر آن است که سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم نه تنها یک سند تاریخی؛ بلکه یک منبع راهبردی برای سیاست‌گذاری معاصر است. هرچند درباره غزوه‌ها و فتوحات پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم نوشته‌های زیادی وجود دارد؛ اما بعد دیپلماتیک شخصیت آن حضرت کمتر به‌صورت علمی و نظام‌مند بررسی شده است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم فرموده است (أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ، وَسَلُّوْا لِلَّهِ الْعَافِيَةَ، فَإِذَا لَقِيتُمْهُمْ فَاصْبِرُوا، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السَّيْفِ)^۲ ترجمه: (ای مردم، رویارویی با دشمن را آرزو نکنید، و از الله متعال بخواهید شما را از بلا برهاند، و چون با دشمن روبرو شدید،

^۱ أحمد غالب محمد علی، أحكام السفارة في الفقه الإسلامي (اردن: كلية الدراسات العليا الجامعة الأردنية، ۲۰۰۵ م)، ۳۷-۳۸.

^۲ الإمام الحافظ أبي عبد الله محمد بن سماعيل البخاری، صحيح البخاری (سعودية: بيت الأفكار، ۱۴۱۹)، "جهاد و السير"، ۱۱/۱۱۲ (۲۹۶۶).

شکلیایی ورزید و بدانید که بهشت در زیر سایه شمشیرها است. بناء رسول الله صلی الله علیه و سلم با وجود جنگ‌های تحمیلی، همواره از روش‌های مسالمت‌آمیز چون مذاکره، ارسال سفیر، عقد پیمان و تشویق به گفت‌وگو بهره گرفته و اساس روابط خارجی اسلام را بر صلح، دعوت و کرامت انسانی بنا نهاده است.^۳ از همین رو، بررسی مبانی دیپلماسی نبوی برای تحقیق‌گران علوم سیاسی و جهان اسلام از اهمیت مضاعف برخوردار است.

هدف کلی این تحقیق، تبیین علمی دیپلماسی و تحلیل ساختار، اصول و اهداف دیپلماسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است. علاوه‌تاً تحقیق حاضر به تبیین اهداف دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و سلم در ایجاد صلح، دعوت جهانی و توسعه قلمرو سیاسی نیز تمسک می‌جوید. دورنمای نتایج را که این تحقیق دنبال می‌کند این است که چارچوب نظری به دست آید تا بر مبنای آن سیاست خارجی دولت‌های اسلامی شکل گرفته هدایت یابند.

با توجه به آنچه که در بخش اهداف تحقیق حاضر تذکر رفت اهمیت و ضرورت آن نیز برجسته می‌باشد. توضیح بیشتر اینکه از لحاظ علمی می‌توان چنین اذعان داشت که ادبیات سیاست خارجی اسلامی اغلب غیر مدون به نظر می‌رسد. این تحقیق به سازمان‌دهی نظری این حوزه کمک می‌کند؛ اما از منظر شاخص تاریخی آن بازخوانی سیره سیاسی پیامبر صلی الله علیه و سلم در دورانی که اسلام تازه در حال شکل‌گیری بود، الگوی عملی برای فهم روابط خارجی اسلامی فراهم می‌کند. و علی‌کل حال جوامع اسلامی امروز برای مدیریت روابط خارجی، مقابله با تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌ها، نیازمند الگوهای اصیل و موفق تاریخی‌اند. هکذا، نتایج این تحقیق می‌تواند برای محصلان علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مطالعات اسلامی و تاریخ اسلام مورد استفاده قرار گیرد.

برای دستیابی به اهداف فوق، تحقیق هذا، پرسش‌های کلیدی زیر را دنبال می‌کند: دیپلماسی چیست و چه تعاریف تاریخی و علمی برای آن وجود دارد؟ دیپلماسی با سیاست خارجی چه تفاوت دارد؟ دستگاه دیپلماسی چگونه سازمان یافته و چه نقش‌هایی برای کارگزاران و مأموران دیپلماتیک تعریف شده است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم چگونه از ابزارهای دیپلماتیک مانند مذاکره، پیمان‌سازی و اعزام سفراء استفاده کرده‌اند؟ مبانی سیاست خارجی اسلام چیست؟ اهداف اصلی پیامبر صلی الله علیه و سلم در دیپلماسی چه بوده است؟ چرا دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و سلم توانست در مدت کوتاهی به یکی از موفق‌ترین الگوهای مدیریت روابط خارجی در تاریخ تبدیل شود؟

^۳ وهبة الزحیلی، *العلاقات الدولية فی الاسلام* (السورية: دارالمکتبی، ۱۴۲۰ ه.ق)، ۲۷-۲۸.

پیشینه موضوع مورد تحقیق را می‌توان در سه بخش عمده بررسی کرد؛ نخست، در حوزه تعریف، نظریه‌ها و کارکردهای دیپلماسی، محققان متعدد درباره مفهوم، ماهیت و تحولات دیپلماسی تحقیق کرده‌اند. از جمله آثاری چون (الاحکام سلطانیه) تألیف: ابوالحسن ماوردی (انتشارات دارالحديث)، (أصول الدبلوماسية في الإسلام: دراسة مقارنة بالقانون الوضعي) تألیف: حلیمه عزاوی، (الدبلوماسية في ضوء السنة النبوية: دراسة موضوعية) تألیف: نهاد یوسف شکرى الثلاثيني، (السياسة الشرعية في اصلاح الراعى و الرعية) تألیف: ابن تیمیہ (انتشارات دارالکتب العلمیہ، (مسائل سیاسی جهان) تألیف: محمدویس فرملی (انتشارات افغانستان)، (الإسلام الدبلوماسية)، تألیف: حبش، د. محمد، مستشار مركز الدوحة الدولي لحوار الأديان، (العلاقات الدولية في الاسلام) تألیف: وهبة الزحيلي (انتشارات: دارالمكتبي)، (فقه السيرة النبوية مع موجز لتاريخ الخلافة الراشدة) تألیف: الدكتور محمد سعيد رمضان البوطي انتشارات: دار الفكر المعاصر، (السياسة الخارجية في ضوء السنة النبوية)، تألیف: روابدة، ميساء على، (السياسة الشرعية في الشئون الدستورية و الخارجية و المالية)، تألیف: عبدالوهاب خلاف، ناشر: دارالانصار. سعيد خالوزاده، (حقوق دیپلوماتیک وقنسولی) تألیف: سعيد خالوزاده، (ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی پوهنتون‌ها سمت مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، (الهدية في دبلوماسية العصر الإسلامي المبكر) تألیف: سليم أركون وأمیت أسکین به ابعاد گوناگون سیاست خارجی، مفاهیم و اصول آن توجه داشته‌اند. با وجود گستردگی این ادبیات، محور اصلی این آثار عمدتاً به مبانی مفهومی و ترمینالوژیک دیپلماسی و سیاست خارجی و دیپلماسی مدرن است و بررسی‌های کمتر به ابعاد دینی، تاریخی و کاربردی دیپلماسی در سنت‌های غیرغربی پرداخته است. ثانیاً، در بخش مربوط به سیاست خارجی در اسلام، مجموعه‌ای از محققان برجسته حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات اسلامی، پژوهش‌های قابل توجهی ارائه کرده‌اند. آثاری چون «تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر صلی‌الله علیه و سلم» نوشته مهدی پیشوایی، «فقه سیاسی، حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام» اثر عبدالعلی عمید زنجانی، و «اولین معصوم پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و سلم» تألیف جواد فاضل به جنبه‌هایی از سیاست خارجی اسلام، سیره نبوی و مبانی نظری دیپلماسی اسلامی پرداخته‌اند. با این حال، غالب این آثار بر مبانی نظری یا توصیفی سیره اسلامی متمرکز بوده و کمتر به ارتباط نظام‌مند میان نظریه سیاست خارجی و رفتار عملی پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم پرداخته‌اند. ثالثاً، در حوزه آثار مرتبط با سیره پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم، اگرچه منابع تاریخی و روایت شده گسترده‌ای درباره زندگانی پیامبر صلی‌الله علیه و سلم وجود دارد و از دیرباز مورد توجه تاریخ‌نگاران مسلمان بوده است؛ اما بیشتر این منابع ماهیت تاریخی، روایی یا کلامی داشته و کمتر به‌طور مستقیم به موضوع «دیپلماسی پیامبر صلی‌الله علیه و سلم» با

رویکرد تحلیل سیاسی - دیپلماتیک پرداخته‌اند. در نتیجه، در ادبیات موجود، نقصانی آشکار در پیوند دادن داده‌های تاریخی سیره نبوی با نظریه‌ها و مفاهیم علمی دیپلماسی دیده می‌شود. بنابر این، تحقیق حاضر درصدد است این خلأ علمی را برطرف سازد. این تحقیق، برخلاف غالب آثار پیشین که یا صرفاً نظری بوده‌اند یا صرفاً تاریخی، می‌کوشد با تمرکز بر بعد عملی رفتار سیاسی پیامبر صلی الله علیه و سلم و با استناد دقیق به منابع معتبر اسلامی، اصول، اهداف و روش‌های دیپلماسی نبوی را با زبانی علمی و قابل فهم تحلیل کند. هدف آن است که کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی و دیپلماتیک پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم با ادبیات معاصر دیپلماسی تطبیق داده شده و الگویی روشن برای فهم سیاست خارجی اسلام ارائه گردد.

۱. چارچوب مفهومی

۱.۱. تعریف دیپلماسی

دیپلماسی اصطلاح لاتینی است که از کلمه لاتین "دیپلوما" به معنای سند رسمی گرفته شده است؛ طوری که مکاتبات، دستورات، اعلامیه‌ها و مذاکرات پادشاهان در اسناد رسمی ثبت و سپس در دفاتر مخصوص نگهداری می‌شد.^۴ بعدها این کلمه به منشور یا سند که به فرستاده‌گان دولت‌ها داده می‌شد، اطلاق گردید. در گذشته طبقه بندی و ارزیابی این اسناد که بعضاً با موضوعات بین‌الملل مرتبط بود در ابتدا در فرهنگ زبان فرانسه به عنوان (Diplomatique) و سپس در زبان انگلیسی به واژه (Diplomatic) رایج گردید. به تدریج این کلمه مفهوم خاص هنر و شیوه اداره امور روابط بین‌الملل در مذاکرات سیاسی دو جانبه، چند جانبه، عقد قراردادها و معاهدات را به خود گرفت ارتباط لغوی آن با ریشه اصلی اش قطع گردید و راساً بیان کننده مفاهمی شد که امروز در اذهان تداعی می‌گردد.^۵ دیپلماسی در معنی عام خود، به مجموعه از ایده‌ها، قواعد، رویه‌ها، پروتوکول‌ها، سازمان‌ها و عرف‌های بین‌المللی اطلاق می‌گردد که روابط بین کشورها، نهاد سازمان‌های بین‌المللی و نمایندگان دیپلماتیک را برقرار می‌کند.^۶

به باور ابن خلدون، دیپلماسی را می‌توان هنر تنظیم روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها بر اساس عقلانیت، مصلحت و حفظ منافع جامعه دانست. وی در مقدمه کتاب خود تأکید می‌کند که اداره روابط سیاسی و تعامل با دیگر حکومت‌ها نیازمند تدبیر، گفت‌وگو و شناخت منافع متقابل است؛

^۴ محمد حبش، الإسلام والدبلوماسية (بی‌جا: بی‌نا، ۲۰۱۳ م)، ۱۴.

^۵ میرحسین تلاش، مبانی دیپلماسی (کابل: انتشارات سعید، ۱۳۹۶ هـ.ش)، ۸.

^۶ عبدالشکور بن عبدالله سامه، تفوق العلاقات الدبلوماسية في عهد الرسول صلی الله علیه وسلم في المدينة المنورة من السنة الأولى إلى السنة الخامسة الهجرية (بی‌جا: جامعة السلطان الشریف علي الإسلامية، ۲۰۲۳ م)، ۸.

امری که امروز از آن به عنوان دیپلماسی یاد می‌شود.^۷ دیپلماسی بخشی از تدبیر سیاسی دولت اسلامی برای تنظیم روابط با دیگر ملت‌ها و حکومت‌ها بر اساس مصلحت، صلح و حفظ منافع امت اسلامی است، بنابر این دیپلماسی را می‌توان شیوه مدیریت روابط خارجی از طریق گفتگو، پیمان و تدبیر سیاسی تعبیر کرد.^۸ این چنین دیپلماسی به معنای نظام‌ها و ابزارهای ارتباطی بین کشورهای عضو جامعه بین‌المللی و ابزاری که این کشورها برای انجام روابط خود با یکدیگر و اجرای سیاست خارجی خود بکار می‌برند، اطلاق می‌گردد.^۹ دیپلماسی مجموعه‌یی از قواعد و دستوراتی است که با شریعت اسلام سازگار بوده و مبین گرایش دولت‌ها در برقراری روابط با سایر دول بر مبنای حفظ و تامین منافع آنان در هر شرایط می‌باشد.^{۱۰}

۲.۱. تعریف سیاست خارجی

بسیاری از مردم حتی برخی از متفکران، دیپلماسی را همان سیاست خارجی می‌دانند و این دو کلمه را مترادف یک دیگر بکار می‌برند ولی واقعیت این است که این دو دارای معنی کاملاً متفاوت می‌باشند.

از دید دانشمندان اسلامی؛ سیاست خارجی به معنای تنظیم روابط دولت اسلامی و با دیگر ملت‌ها بر اساس عدالت، مصلحت و حفظ امنیت جامعه اسلامی است و این روابط باید بر پایه حکمت، وفای به عهد و دفع تهدیدات از امت اسلامی استوار باشد.^{۱۱}

این چنین، به نظر امام ابوالحسن ماوردی سیاست خارجی عبارت است از تدبیر و تنظیم روابط دولت اسلامی با سایر دولت‌ها و ملت‌ها بر اساس حفظ مصالح، امنیت، صلح و رعایت تعهدات می‌باشد.^{۱۲}

سیاست خارجی به مجموعه از اقدامات و اعمال از پیش تعیین شده توسط تصمیم‌گیرندگان سیاسی گفته می‌شود که برای دست یابی به اهداف مشخص در چارچوب منافع داخلی کشور در محیط بین‌المللی صورت می‌گیرد.^{۱۳}

^۷ عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون، مقدمه / این خلدون، مترجم: محمد پروین گنابادی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹ ه.ش)، ۲۸۶/۱.

^۸ ابوالحسن ماوردی، الاحکام السلطانیة (قاهره: انتشارات دارالحدیث، ۱۹۸۵ ه.ش)، ۷۵.

^۹ حلیمه عزوای، أصول الدبلوماسية فی الإسلام: دراسة مقارنة بالقانون الوضعي (بی‌جا: بی‌نا، ۲۰۱۶ م)، ۸.

^{۱۰} نهاد یوسف شکری الثلاثینی، الدبلوماسية فی ضوء السنة النبویة: دراسة موضوعیة (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ۵.

^{۱۱} ابن تیمیة، السیاسة الشرعية فی اصلاح الراعی والرعية (بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۸ ه.ش)، ۱۷۳.

^{۱۲} ماوردی، الاحکام السلطانیة، ۵۷.

^{۱۳} محمدوئیس فرملی، مسایل سیاسی جهان (کابل: انتشارات افغانستان، ۱۳۹۷ ه.ش)، ۲۰.

جهتی را که یک دولت بر می‌گزیند و در آن خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت را به جامعه بین‌المللی سیاست خارجی می‌گویند.^{۱۴} اما در کل با توجه به تعاریف ارائه صورت گرفته، از سیاست خارجی می‌توان سیاست خارجی را جهت‌گیری و اقدامات یک دولت در عرصه بین‌المللی در جهت تأمین اهداف ملی و برآورده ساختن منافع ملی تعریف کرد.

۳.۱. ارکان دیپلماسی

دستگاه دیپلماسی هر کشور، مرکب از دو گروه از افراد است: کارگردانان سیاست خارجی و مأموران دیپلماتیک.

گروه اول- کارگردانان سیاست خارجی، افرادی هستند که در بالا ترین سطوح مقامات حکومتی، زیر پوشش حکومت و بنام حکومت در تعیین خط مشی سیاست خارجی دخالت دارند. این مأموران در دستگاه دیپلماسی بالا ترین مقام را دارند. مانند رئیس دولت، رئیس حکومت، نخست وزیر و وزیر امور خارجه که در راس وزارت خارجه و نمایندگی‌های دیپلماتیک کشور متبوع خود قرار دارد.^{۱۵}

گروه دوم- مأموران دیپلماتیک، افرادی هستند که به نمایندگی از طرف دولت خود و توسط وزارت خارجه متبوع خویش، به کشورهای دیگر اعزام می‌شوند. و وظیفه آنان اجرا کردن سیاست حکومت خود در ارتباط با این کشورهاست.^{۱۶}

۱.۳.۱. تفاوت بین کارگردانان سیاست خارجی و مأموران دیپلماتیک

از نظر تصمیم و اجراء: کارگردانان سیاست خارجی اصول کلی و خط مشی سیاست خارجی حکومت را تدوین و تنظیم می‌نمایند و بر اجرای آن توسط مأموران دیپلماتیک نظارت می‌کنند. مأموران دیپلماتیک اجرا کننده تصمیمات گروه اول بوده و وظیفه آنان تبعیت از خط مشی سیاست خارجی تعیین شده است.

از نظر مقام: کارگردانان سیاست خارجی، از عالی ترین مقامات در داخل کشور بوده و نسبت به مأموران دیپلماتیک دستور دهنده اند.

مأموران دیپلماتیک در سطح پایین‌تر از کارگردانان سیاست خارجه قرار دارند و از آنان دستور می‌گیرند و در برابر آنان مسؤول هستند.

^{۱۴} عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹ هـ.ش)، ۱۰۲.

^{۱۵} پرویز ذولعین، حقوق دیپلماتیک (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹ هـ.ش)، ۱۸.

^{۱۶} د. محمد حبش، مستشار مرکز الدوحة الدولي لحوار الأديان، الإسلام والدبلوماسية (بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۴۳ هـ.ق)، ۱۲۸-۱۲۹.

از نظر اشتغال: حرفه اصلی کارگردانان سیاست خارجه دیپلماسی نیست؛ بلکه اشتغالات دیگری هم دارند و دیپلماسی قسمتی از وظایف آنان است. در این مورد وضع وزیر خارجه استثنای است. زیرا وظایف او بیشتر با دیپلماسی مربوط می‌شود. در مورد مأموران دیپلماتیک، دیپلماسی تنها حرفه آنان است اصولاً اشتغال دیگری ندارند.

از نظر محل کار: کارگردانان سیاست خارجه در داخل کشور مستقر بوده و انجام وظیفه می‌کنند. و جز در مواقع لازم از قبیل دیدارهای تشریفاتی یا مذاکرات و یا شرکت در مجامع بین‌المللی، به خارج از کشور سفر نمی‌کنند.

مأموران دیپلماتیک محل اقامت و کارشان در خارج از کشور است و فقط در مواقع لازم به کشور خود مسافرت می‌نمایند.

از نظر حقوقی: کارگردانان سیاست خارجی از نظر حقوقی مشمول حقوق داخلی کشورها هستند. نحوه انتخاب، انتصاب، حدود صلاحیت و اختیارات، قلمرو وظایف آنان را قوانین داخلی هر کشور تعیین می‌کند.

مأموران دیپلماتیک از دیدگاه حقوقی در گذشته همانند گروه اول بوده و بعضاً مشمول قواعد عرف و نزاکت بین‌المللی شدند. اما بعد از سال ۱۹۶۱ "کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک" انعقاد یافت. دارای وضع روشن و قرار دادی شدند. و این کنوانسیون تا حدود زیاد وضع مأموران دیپلماتیک را معلوم و مشخص نموده است.

۴.۱. دیپلماسی و رفتار سیاسی حضرت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه وسلم

روابط دیپلماتیک در جامعه اسلامی، از همان آغاز با اهمیتی بسیار و به صورت نسبتاً گسترده مطرح بوده است. شاید یکی از عوامل مهم اهتمام مسلمین به ارسال سفیر این باشد که از دیدگاه اسلام، جنگ با هر ملتی هر چند آن ملت در صدد جنگ با اسلام برآمده و موضوع خصمانه‌ای به خود گرفته باشد، بدون اعلان قبلی و بدون تبیین موضوع عقیدتی-اجتماعی، جایز نبوده است.^{۱۷} منظور از دیپلماسی حضرت پیامبر صلی‌الله علیه وسلم فعالیت‌های است که آن حضرت صلی‌الله به عنوان رئیس حکومت و نمایندگان و سفرای او در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط مش‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و هم‌چنین پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های دینی و دولت‌های غیر مسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام داده‌اند.^{۱۸}

^{۱۷} محمد ابراهیمی، حقوق بین‌الملل عمومی و اسلام (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمت، ۱۳۷۷ هـ.ش)، ۲۱۳.

^{۱۸} حبش، مستشار مرکز الدوحة الدولي لحوار الأديان، الإسلام الدبلوماسية، ۳۳-۳۴.

اسلام برای تعقیب اهداف خود در اولین سال‌های ظهورش، یعنی دعوت بشر به تعالیم الهی، صلح و یکتا پرستی، از دیپلماسی استفاده کرده است. پیامبر صلی الله علیه و سلم پس از انعقاد صلح حدیبیه در سال ششم هجری سفیران خود را به سوی دولت‌های مجاور فرستاده و پیام کتبی خویش را به آنان ابلاغ نموده است. این نامه‌ها به جانب قیصر روم، کسری فارس، مقوقس حکومت خود مختار مصر، نجاشی شاه حبشه، منذر غسانی در شام، منذر بن ساوی در بحرین و ملوک یمن و عمان ارسال شده، که پیامبر صلی الله علیه و سلم همه آنها را به صلح و یکتا پرستی دعوت نموده است، و از آنها خواسته است که به خدای یگانه و اسلام ایمان بیاورند.^{۱۹} ارسال نامه‌ها به سران ممالک، نقطه‌ای آغاز روابط خارجی دولت اسلامی با جوامع غیر اسلامی بوده، که تحلیل آن مبدأ و ماهیت روابط سیاسی مسلمانان با غیر مسلمانان را از دیدگاه اسلام بیان می‌کند. هر چند در آغاز دیپلماسی اسلام به صورت ساده و به دور از تشریفات اعمال می‌شد، و قاعده‌مند نبود؛ اما رفتار عملی پیامبر صلی الله علیه و سلم قوانین و آداب دیپلماسی را در دوره‌های بعدی آشکار می‌سازد. پادشاهان برخی ممالک همراه نامه‌ها، هدایای برای حضرت محمد صلی الله علیه و سلم فرستادند که وی نیز با کمال میل آنها را پذیرفته است. همین امر سیره عملی مبنای جواز قبول هدایای اهل حرب، نزد فقهای اسلامی تلقی شده و از سوی دیگر، یکی از آداب دیپلماسی اسلام در عصر خلفای بعدی، به اجرا در آمده است. گفتنی است که برای نخستین بار به طور رسمی مصونیت سیاسی سفیران در روابط خارجی اسلام قانونی اعلان شد، که طی نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و سلم به اطراف عربستان تسجیل شده است که متضمن این اصل است.^{۲۰}

از نخستین روزهای تشکیل دولت اسلامی، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم به دیپلماسی به دلیل داشتن اهداف، چون نشر دعوت اسلامی، تبادل اسراء، تحقیق و تفحص در مورد علاقه‌های مشترک و تحکیم گسترش روابط فرهنگی و تجاری توجه شده است. به گواه اسناد و مدارک تاریخی و به اذعان عده زیادی از مستشرقان و نویسندگان مسلمان، دولت اسلامی از بدو تولد، روش مسالمت‌آمیز دیپلماسی را جای‌گزین جنگ کرده و برای تنفیذ و اجرای سیاست خارجی و تعقیب اهداف خویش، شیوه‌های انسانی و مساعدی را برگزیده است.^{۲۱}

گفته‌های حکیمانه حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد مصونیت سفیران، همچنین نامه‌ها و معاهده‌ها با امپراطوری‌ها و دولت‌های قبیله‌ای عربستان امضاء کرده که می‌تواند مؤید و روشنگر این مطلب باشد. مجموعه پیمان‌ها و نامه‌های صلح و امان آن حضرت صلی الله علیه و

^{۱۹} وهبة الزحیلی، العلاقات الدولية فی الاسلام (السورية: دارالمکتبی، ۱۴۲۰ ه.ق)، ۱۲.

^{۲۰} الزحیلی، العلاقات الدولية فی الاسلام، ۱۲-۱۳؛ عتیق الله رحیمی، حقوق دیپلوماتیک و قسولی (کابل: انتشارات سعید، ۱۴۰۴ ه.ش)، ۱۱۲.

^{۲۱} الزحیلی، العلاقات الدولية فی الاسلام، ۱۱.

سلم و خلفای راشدین که برای سران دولت‌ها فرستاده است می‌توان سه صد و هفتاد و چهار^{۲۲} مورد را ذکر کرد، که نشان پویایی و بالندگی دولت اسلامی عصر پیغمبر صلی الله علیه و سلم در عرصه روابط خارجی در آن زمان می‌باشد. همان طور که رسول الله صلی الله علیه و سلم سفیران پادشاهان و قبایل وارد شده خود را می‌پذیرفت و به آنها اکرام میکرد، ضیافت می‌داد و امنیت شان را تأمین میکرد.^{۲۳}

در سال ششم هجری پیامبر صلی الله علیه و سلم سفیرانی را که در دربار هرقل، کسری، نجاشی و مقوقس فرستاد عاری از هرگونه تشریفات و مراسم ویژه در حین اعزام یا هنگام ملاقات با پادشاهان بود. هم‌چنان حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم هیات‌های سیاسی که از سوی قبایل و ممالک دیگر به دیدارش می‌آمد مانند سایر مردم می‌پذیرفت.^{۲۴} از جمله وقتی که هیأت از قبیله کنده به ریاست هشتاد نفر با تجهیزات جنگی و لباس‌های فاخر همراهی تشریفات به حضور پیامبر صلی الله علیه و سلم رسیدند، حضرت به لباس‌های فاخر آنان که از حریر بود اعتراض کرده و فرمود: این حریر چیست که تن شماست؟^{۲۵}

گاهی پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد نمایندگان سیاسی تشریفات به عمل می‌آورد که در حد مهمانی معمول بود. چنانکه برای هیأت ثقیف در مسجد خیمه مخصوصی بر پا کرد و با آنان به مذاکره نشست.^{۲۶}

۲. اصول دیپلماسی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم

همان گونه که از تعریف و نظریه ابن عابدین رحمه الله تعالی در مورد تعریف (سیاست شرعی) در کتابش^{۲۷} اشاره شد مقصود از اصول سیاست خارجی مجموعه ای از تعالیم و آموزه‌های دینی است که در چارچوب کلان سیاست خارجی دولت اسلامی را شکل می‌دهد. این مجموعه ثابت و ماندگار و از نظر تفسیری بر دیگر مسایل سیاست خارجی حاکم است. یکی از تحقیقگران اسلامی در تعریف اصول سیاست خارجی می‌گوید: مقصود از اصول سیاست خارجی مبادی و اساس روابط خارجی دولت اسلامی که در منابع دینی چارچوب و اساس تنظیم روابط خارجی

^{۲۲} محمد حمیدالله، مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوی والخلافة الراشدة (بی‌جا: دارالفنایس، ۱۴۰۷ ه.ق).

^{۲۳} حبش، مستشار مرکز الدوحة الدولي لحوار الأديان، الإسلام الدبلوماسية، ۴۹.

^{۲۴} محمد شیت خطاط، سقراء النبی صلی الله علیه و سلم (جده: دارالاندلس الخضراء، ۱۹۹۶ م)، ۱۲/۱.

^{۲۵} عبدالملک ابن هشام، السيرة النبوية لابن هشام (مصر: مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۷۵ ه.ق)، ۵۸۵/۲.

^{۲۶} الدكتور محمد سعيد رمضان البوطی، فقه السيرة النبوية مع موجز لتاريخ الخلافة الراشدة (بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۱ ه.ق)، ۴۵۹.

^{۲۷} محمد آمین بن عمر بن عبدالعزیز بن عابدین، رد المحتار علی در المختار، تحقیق. عادل احمد عبدالموجود (بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۲۴ ه.ق)، ۲۰/۶.

مطرح شده است.^{۲۸} با عنایت به تعریف مزبور این اصول را از مجموع آیاتی قرآنی ناظر بر روابط خارجی می‌توان در محورهای زیر بررسی کرد.

۱.۲. اصل نفی سیل

عنوان «نفی سیل» برگرفته از متن آیه قرآن کریم است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾.^{۲۹} ترجمه: «خداوند طریقی برای کافران به مومنان قرار نداده است». مفسران در تفسیر این آیه اقوال مختلفی ذکر کرده‌اند: برخی سیل را به مفهوم حجت و دلیل دقت این آیه را چنین معنا کرده‌اند: خداوند حجت برتر برای کافران نسبت به مومنان قرار نداده است. گروهی گفته‌اند: مقصود نفی سیل کفار بر مومنان در قیامت است؛ اما در این میان، ابن عربی می‌گوید: هر دو احتمال مزبور ضعیف بوده و در آیه مبارکه سه احتمال وجود دارد: اول آنکه کافران هرگز توان محو انهدام دولت مومنان و امحای بیضه اسلام را ندارند. دوم آنکه خداوند، زمینه سلطه کافران بر مومنان فراهم نکرده؛ بلکه مسلمانان با فاصله گرفتن از تعالیم اسلامی، زمینه چنین امری را مهیا کرده‌اند. سوم آنکه خداوند متعال برای کافران در مورد مومنان سیل شرعی قرار نداده است. بیش‌تر علماء به این آیه بر منبع و عدم جواز بیع عبد مسلمان به کافر استدلال کرده‌اند؛ زیرا این امر موجب سلطه کافر بر عبد و خواری او می‌شود. بنابراین، اگر بیع عبد مسلمان به کافر موجب سلطه و استیلا وی شود، حکم به عدم جواز است. پس هر جا کافران بر مومنان و مسلمانان تسلط یابند، ممنوع و غیر قابل تحمل خواهد بود. برای حرمت معامله فوق استدلال به این آیه زمانی تمام خواهد بود که کلمه سیل را به مفهوم سلطه و سلطنت بگیریم نه محبت و برهان.^{۳۰}

به این اساس، نفی سیل اساس روابط خارجی دولت اسلامی است. اگر دولت اسلامی با غیرمسلمانان عهد و پیمان منعقد کند، به حکم دستور صریح قرآن مبنی بر وجوب وفای به عهد دولت اسلامی باید به میثاق و پیمان خود پایبند باشد؛ همچنان الله متعال در این مورد می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)^{۳۱} ترجمه: ای مؤمنان وفا کنید به عهد‌ها.^{۳۲} اما اگر این پیمان موجب استیلا سیاسی، نظامی و فرهنگی کافران بر مومنان گردد، اعتباری نداشته و از ذیل وجوب وفای به عهد خارج خواهد شد. بنا براین روابط خارجی اسلام با غیرمسلمانان باید به گونه‌ای تنظیم شود که زمینه‌های سلطه و برتری کافران بر مسلمانان فراهم نیاید؛ در غیر این صورت روابط

^{۲۸} میساع علی روابدة، السیاسة الخارجیة فی ضوء السنة النبویة (بی‌جا: بی‌نا، ۲۰۱۵ م)، ۹۴.

^{۲۹} النساء ۱۴۱/۴.

^{۳۰} ابی بکر محمد بن عبدالله ابن العربی، احکام القرآن (بیروت: دارالعلمیة، بی‌تا)، ۶۴۰/۱-۶۴۱.

^{۳۱} المائدة ۱/۵.

^{۳۲} تفسیر کابلی (قطر: بی‌نا، ۱۴۱۱ هـ.ق)، ۶۰۵/۱.

نامشروع و فاقد پشتوانه شرعی خواهد بود. به هر حال بر اساس اصل نفی سیلظبط در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی اقتصادی و فرهنگی باید راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلام مسدود شود.

همچنان خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾.^{۳۳} ترجمه: "خداوند طریقی برای کافران به مومنان قرار نداده است". و از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت که می‌فرماید: الإسلامُ يعلو، ولا يُعلَى.^{۳۴} ترجمه: اسلام همیشه والاتر است و هیچ چیزی برتر از آن قرار نمیگیرد. از دلایل فوق استناد می‌گردد که از نظر سیاست اسلامی، عدم پذیرش تحت الحمایه‌گی، نفی ظلم، استبداد و استعمار، عدم جواز مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و عدم اجازه برای رخنه کفار در تصمیم‌گیری‌ها و از نظر نظامی، تسلط بر مقدرات نظامی مورد تأکید است.^{۳۵} در روابط خارجی نیز عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و نظامی مورد توجه است. بنابراین قاعده نفی سبیل دو جنبه ایجابی و سلبی دارد. جنبه سلبی نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان را بیان می‌کند و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی برای حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است. برخی از مفسران برای نفی سلطه کافران و عدم جواز آن به آیه ۱۱۸ سوره آل عمران استدلال نموده در این آیه خداوند سبحان اهل ایمان را از دوستی و هم‌راز شدن با بیگانگان نهی می‌کند. ﴿يَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾.^{۳۶} ترجمه: «ای مؤمنان مگیرید کسی را دوست نهانی غیر از خود ها کوتاهی نمی‌کنند در خرابی شما دوست دارند رنج شما را به تحقیق آشکارا شده دشمنی از دهان‌های شان و آنچه پنهان کرده است سینه‌های شان کلان تر است به تحقیق بیان کردیم بشما نشانها را اگر شما عاقل هستید». بناً برای مسلمانان جایز نیست کافران را دوست و هم‌راز و صاحب اسرار شان بدانند. عدم جواز این مسئله همانا موجب سلطه کافران بر مسلمانان می‌شود. بیا نفی سبیل فراتر از یک نظریه سیاسی و امری لازم الاجرا در روابط خارجی می‌باشد.^{۳۷}

^{۳۳} النساء ۱۴۱/۴.

^{۳۴} أبو الحسن الدار قطنی، سنن الدار القطنی، حقه و ضبط نصه و علق علیه: شعیب الارنؤوط (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۳ هـ.ق)، ۳۷۱.

^{۳۵} الماوردی، الأحكام السلطانية والولايات الدينية، حقه: الدكتور أحمد مبارک البغدادی (کویت: دار ابن قتیبة، ۱۴۰۹ هـ.ق)، ۲۲.

^{۳۶} آل عمران ۱۱۸/۳.

^{۳۷} تفسیر کابلی، ۳۷۵/۱-۳۷۶.

۲.۲. اصول دعوت یا جهاد

شاید این اصل از اصول سیاست خارجی اسلام، بیش از هر اصل دیگر حایز اهمیت باشد. به همین دلیل بیش تر از دیگر محورها مورد بحث و مناظره قرار گرفته است. احتمالاً یکی از جهات اهمیت این اصل، آن است که ماهیت روابط خارجی از دیدگاه اسلامی را تبیین می کند. در این جا به دلیل مناظره های دامنه دار درباره اصل دعوت و جهاد هر دو اصل تحت عنوان یک اصل مطرح می شود؛ بی تردید دعوت انبیاء الهی از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم یکی از مهم ترین و احتمالاً، هدف اصلی ارسال رسول محسوب می گردد. آیات متعدد قرآن کریم پیامبران را دعوت کنندگان دینی معرفی می کند؛ در این مورد الله متعال می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^{۳۸}. ترجمه: «و هر آینه فرستادیم در هر گروهی پیغامبری را که عبادت کنید خدا را و احتراز کنید از بتان».

به این اساس نخستین وظیفه پیامبر صلی الله علیه و سلم و رهبران دینی، همانا دعوت بشر به تعالیم و ارزش های اسلامی است. از سوی دیگر، جهاد و جنگ با مشرکان و طاغوتیان یکی از وظایف اسلامی مسلمانان و امرای اسلامی است؛ اما آنچه در مورد جهاد و جنگ حایز اهمیت است، علل و انگیزه ها و فلسفه تشریع این پدیده است که جهاد برای چیست و چه زمانی صورت می گیرد؟ با تحلیل و موشکافی این نکته، شاید بتوان رابطه دعوت و جهاد و پس از آن، اصل در روابط خارجی دولت اسلامی را به دست آورد. در این قسمت ادعای تحقیق حاضر آن است که از نظر قرآن کریم، سیاست روابط خارجی اسلام بر اصل صلح استوار است و جنگ، حالت استثنایی دارد که بنا بر ضرورت تجویز می شود؛ همچنان الله متعال در این مورد می فرماید: «وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»^{۳۹}. ترجمه: «و اگر میل کنند بصلح تو هم میل کن بسوی آن. توکل کن بر خدا»^{۴۰}.

جهاد اسلامی یکی از مراحل دعوت در زمینه تحقیق و ترویج ارزشهای دینی مبتنی بر فطرت بشری است. آیات متعدد قرآن کریم، اولین و مهم ترین و وظیفه رسالت پیامبر صلی الله علیه و سلم را دعوت بشر به خیر و صلح می داند. خداوند سبحان، پیامبران را مبلغان پیام خود، مظهر اهمیت خویش و متصدی اصلاح و تزکیه بشر معرفی می نماید. در برخی آیات، خداوند به ابلاغ پیام و دعوت بشر به تکالیف و ارزش های اسلامی، آن چنان اهمیت می دهد که هر نوع مواخذه و مجازات را قبل از ابلاغ پیام و ادای وظیفه دعوت نفی می کند. روابط خارجی اسلام نیز اصل

^{۳۸} النحل ۳۶/۱۶.

^{۳۹} الانفال ۶۱/۸.

^{۴۰} تفسیر الکابلی، ۱/۱۰۵۴-۱۰۵۵.

دعوت یکی از اصول اساسی مورد توجه و تاکید است. خداوند در یکی از آیات قران کریم این اصل را چنین معرفی می کند: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾.^{۴۱} ترجمه: «و نیستیم ما عذاب کننده تا آنکه فرستیم پیغامبری».

این آیه و نظایر آن به خوبی بیانگر آن است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در روابط خارجی خویش با غیر مسلمانان بیش از هر امری موظف به دعوت آنان به خدای واحد است. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم این اصل، بیش از هر امر دیگر، مورد تاکید قرار گرفته و حضرت پیش از ادای وظیفه دعوت در هیچ موردی دستور جهاد و قتال را صادر نکرده است.^{۴۲} امام أحمد و دیگران به نقل از ابن عباس می گویند: رسول خدا صلی الله علیه و سلم هرگز با هیچ قومی نجنگید، مگر این که آنها را به اسلام دعوت کرد.^{۴۳} پیامبر صلی الله علیه و سلم آن چنان به مسأله دعوت اهمیت می داد که در همه غزوات پیش از آغاز جنگ به دعوت می پرداخت و حتی مردمان دعوت شده را دوباره فرا می خواند.^{۴۴} از جمله در غزه خیر با این که اهالی آن به اسلام دعوت شده بودند، پیامبر سفیران و دعوتگران خود را سه روز بی درپی فرستاد، مردم را به اسلام فرا خواند.

میان علمای اسلامی اصل بر این است که اساس فلسفه جهاد دارای ماهیت تدافعی است. قتال در راه الله متعال چه دفاعی و چه ابتدایی در حقیقت دفاع از حق بشر است و آن عبارت است از: حق حیات؛ زیرا شرک به خداوند سبحان هلاک انسانیت و مرگ فطرت و خاموشی چراغ در درون دلهاست و قتال که همان دفاع از حق انسانیت است این حیات را بر می گرداند و بعد از مردن، آن حق را دوباره زنده می کند. بنابر این فلسفه تشریع جهاد آن گونه که بیان گردید سلطه جوی و نابودی انسان ها نیست. بلکه جهاد در کنار دعوت مشروعیت می یابد و خود به تنهایی هدف نیست، اسلام برای نشر دعوت خود عمداً به جنگ رو نیاورده است بلکه جنگ تطور طبیعی و لازمه آن دعوت و آماده سازی ظروف و زمینه هایش است. در پهلوی آن پیامبر صلی الله علیه و سلم طی نامه ها و سفیران به سران قبایل عرب و غیر عرب در گوشه و کنار دنیا مردم را دعوت نموده است که نمونه بارز از سیاست خارجی پیامبر ص را نشان می دهد.^{۴۵}

^{۴۱} الاسراء ۱۵/۱۷.

^{۴۲} عبدالوهاب خلاف، *السیاسة الشرعية فی الشئون الدستورية و الخارجية و المالية* (قاهره: دارالانصار، ۱۳۹۷ هـ.ق)، ۷۸.

^{۴۳} أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل الشیبانی، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، المحقق: شعيب الارنؤوط (بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ هـ.ق)، ۴۸۶، (۲۰۵۳).

^{۴۴} د. سعید بن علی بن وهف القحطانی، *رحمة للعالمین* (السعودیه: موقع وزارت الاوقاف، بی تا)، ۸۲.

^{۴۵} عبدالقهار صمیم، *نظام اقتصادی اسلامی* (کابل: انتشارات تمند شرق، ۱۳۹۴ هـ.ش)، ۶۶.

۲.۳. اصل عزت اسلامی

عزت در روابط خارجی دولت اسلامی بیانگر برتری تعالیم، و بالتبع جوامع اسلامی است. عزت اسلامی در روابط خارجی به جامعیت، کمال و مقبولیت دین اسلام نظر دارد که خداوند آنرا کاملترین و برترین دین محسوب کرده و به صراحت بر عدم مقبولیت غیر آن تأکید می‌کند. بنابراین دولت اسلامی باید به گونه‌ای سیاست‌گذاری و رفتار کند که این اصل مخدوش و یا کم رنگ نشود برخی آیات قرآنکریم از اتکای مسلمانان به کافران و دولت‌های غیر اسلامی برای دستیابی به عزت و شوکت دنیوی انتقاد کرده و یادآوری عزت را از آن خدا و رسول و مومنان می‌داند. و می‌فرماید: ﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾.^{۴۶} ترجمه: "به منافقان خبر ده که عذاب‌ی دردناک در پیش خواهند داشت". در این مورد بعضی از مفسران تشریع جهاد را برای تحقق عزت دینی و سیادت اسلام تبیین می‌کنند. و هم چنین عزت اسلامی و سیاست دینی در سیره و گفتار پیامبر نیز مبنای سیاست خارجی می‌باشد.^{۴۷}

به همین ترتیب است که عزت اسلامی یکی از اصول سیاست خارجی همانند اصل نفی سیل بر معاهده‌ها و رفتار خارجی دولت اسلامی حاکمیت دارد به گونه‌ای که اگر سیاست خارجی دولت اسلامی موجب عزت کافران و ذلت جامعه اسلامی شود غیر مجاز و ممنوع است.^{۴۸} زیرا قرآن کریم مسلمانان را دارای عزت معرفی می‌کند. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾.^{۴۹} ترجمه: "عزت ویژه خداوند و پیغمبرش و مومنین است لیکن منافقین این را نمی‌دانند". عزت چه در قالب خصلت فردی یا روحیه جمعی، به معنایی مقهور نشدن در برابر عوامل بیرونی، شکست ناپذیری، صلابت نفس، کرامت و والایی روح انسانی و حفظ شخصیت است. با توجه به اُسوه بودن پیامبر اکرم و تبعیت کامل ایشان از فرمان‌های قرآن کریم، در سیاست خارجی نبوی این اصل به حد‌اعلای خود رعایت شده است و تاریخ نیز به خوبی گواهی این امر است که در مورد آن الله متعال می‌فرماید: لقد كان في رسول الله أسوة حسنة.^{۵۰} ترجمه: هر آینه هست برای شما در تعلیم رسول الله پیروی نیک.^{۵۱}

^{۴۶} النساء ۱۳۸/۴.

^{۴۷} خلاف، السياسة الشرعية في الشؤون الدستورية والخارجية والمالية (دمشق: دارالعلم، ۱۴۰۸ ه.ق)، ۱۰۵.

^{۴۸} الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته، ۶/۴۳۹-۴۴۰.

^{۴۹} المنافقون ۸/۶۳.

^{۵۰} الاحزاب ۲۱/۳۳.

^{۵۱} تفسير الكابلي، ۳/۹۳-۹۴.

۲. ۴. اصل احترام به پیمان‌های سیاسی

وفای به عهد و پیمان یکی از مهم‌ترین اصول در روابط بین الملل است و به اساس آن دولت اسلامی وظیفه دارد که کلیه معاهده‌ها و پیمان‌های سیاسی و نظامی خود را با جوامع اسلامی پذیرفته و به آن پایبند باشد که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اؤْفُوا بِالْعُقُودِ»^{۵۲}. ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید به عهد‌ها و قراردادهای که منعقد می‌کنید وفادار باشید». پیامبر صلی الله علیه و سلم پیمان‌های زیادی را با عرب و غیر عرب بسته است و تاکید زیادی تحت هر شرایط به نقض پیمان‌ها می‌نمود. از آیات و روایات چنین استنباط می‌شود که وقتی مسلمانان با غیر مسلمانان معاهده را امضا می‌کنند یا قرار دادی می‌بندند، جز در صورت تخلف طرف مقابل، نقض آن به هیچ‌وجه جایز نیست و وفای آن به حکم شرع و عقل لازم است.^{۵۳} از جمله برجسته‌ترین آن موارد التزام و پایبندی حضرت به پیمان صلح حدیبیه می‌باشد، و چون مسلمانان نمی‌توانستند آثار و نتایج درخشان این پیمان را در آینده دریابند آن را شکست می‌پنداشتند و برخی از آنان سماجت نشان می‌دادند. تا رسول اکرم صلی الله علیه و سلم را از امضای آن منصرف کنند اما چنان که پیامبر صلی الله علیه و سلم پیشینی می‌کرد وفا و احترام به این پیمان آثار و نتایج سیاسی و اجتماعی متعددی در پی داشت. از جمله آن این پیمان تاثیر فوق العاده روی سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و سلم وارد کرد.^{۵۴}

قبایل دیگر عرب از این پیمان به نیکی یاد نمودند. آنها فکر نمودن که پیروزی غیر قابل توقعی را به دست آورده اند. زیرا آنها در جنگ‌های عسکری نتوانستند که پیروزی به دست بیاورند و احساس می‌کردند که با مضای این پیمان به پیروزی مهم سیاسی نایل آمده‌اند؛ اما مسلمانان عکس آنرا فکر می‌کردند چون بدون دیدار از مکه دوباره به مدینه برگشتند؛ در قرآن کریم به این پیمان به نام الفتح المبین اشاره شده است: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا»^{۵۵}. ترجمه: «به راستی ما به تو پیروزی آشکاری را فراهم ساختیم».

در این پیمان پیامبر خط مشی سیاست خارجی خود را که همانا صلح و فلاح امت‌اش بود، به امضا رسانید. بنابراین از نظر اسلام، التزام به پیمان و وفای به عهد، یک سیاست استراتژیک و بلند مدت است که تحت هیچ شرایطی مجوز برای نقض آن نیست. از آیات قرآن کریم که در این باره

^{۵۲} المائده ۱/۵.

^{۵۳} تفسیر الکابلی، ۱/۶۰۵.

^{۵۴} محمد سید الوکیل، درس‌های از سیرت النبی، مترجم. مومن حکیمی (کابل: انتشارات سعید، ۱۳۸۸ هـ ش)، ۲۴۳.

^{۵۵} الفتح ۱/۴۸.

ذکر شده چنین استنباط می‌شود که زمانی که دولت اسلامی پیمانی را با غیر مسلمان می‌بندد جز تخلف طرف مقابل در هیچ صورت نقض پیمان جایز نیست.^{۵۶}

در دین اسلام صلح و همزیستی به عنوان اساسی‌ترین اصل در مناسبات بین‌المللی منظور گردیده و به همین دلیل در حقوق اسلامی بهره‌برداری از فرصت‌ها مناسب برای تحکیم و برقراری شرایط و پیمان‌های صلح در روابط خارجی جامعه اسلامی پیش‌بینی گردیده است. اسلام برای تحقق بخشیدن و گسترش حالت صلح در میان ملت‌ها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه و درگیری‌های خونین نه‌تنها برای قراردادهای و معاهدات بین‌المللی ارزش حقوقی فوق‌العاده‌ای قایل شده؛ بلکه اصولاً ملت‌ها و گروه‌های دیگر را نیز برای انعقاد پیمان‌های صلح دعوت کرده و به جامعه اسلامی توصیه نموده تا همواره در این زمینه پیش‌قدم باشند و از هر نوع کوششی برای برقراری تحکیم مبنای و شرایط و نیز گسترش آن در جامعه بشری دریغ نکنند.^{۵۷}

و جوب وفای به عهد کلیه تمهیدات و پیمان‌های مکتوب و شفاهی را در بر می‌گیرد. بر مبنای آیات و سنت و سیره نبوی این اصل در بردارنده موارد زیر است:

۱- اصل بقای معاهده‌ها و اعتبار آن تا زمان انقضای مدت؛ ۲- عدم جواز خدعه و غدر به طرف مقابل و جوب وفای به عهد، تا زمانی انقضای مدت؛ ۳- عدم نقض قطعی پیمان، مگر آنکه طرف مقابل غدر و خدعه ورزد یا آن را کاملاً نقض کند؛ سیره نبوی و سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز حاکی از پابندی حضرت به کلیه پیمان‌ها و تعهدات کتبی و شفاهی است و پیامبر صلی الله علیه و سلم به کلیه عقود خود اعم از دایم، موقت، معین و نامعین متعهد بودند که از مشهورترین موارد آن التزام و پابندی پیامبر (صلی الله علیه و سلم) به مفاد صلح نامه "حذیبیه" بود که که پیامبر با ناگواری تمام، به دلیل احترام به این پیمان، افرادی که تازه مسلمان شده بودند و از آزار و شکسته‌گریش به سوی مدینه هجرت کرده بودند را باز می‌گرداند.^{۵۸}

۳. اهداف دیپلماسی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم

پیامبر با دو هدف اصلی، اساس دیپلماسی اسلامی را پایه‌ریزی کرد. این دو هدف اصلی دعوت و توسعه حاکمیت سیاسی اسلامی بود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم اصل دعوت را در سیاست خارجی خویش همواره مورد توجه قرار داده و آن را در تمام پیام‌ها و نامه‌های سیاسی خود مبنای اقدامات دیپلماتیک خود قرار داده است.^{۵۹}

^{۵۶} موفق الدین عبدالله بن احمد بن قدامة المقدسی، المغنی (بیروت: دار الإحياء التراث، ۱۴۰۵ ه.ق)، ۲۴۰/۹.

^{۵۷} الدوکتور وهبة الزحيلي، العلاقات الدولية في الإسلام (دمشق: دارالمکتبی، ۱۴۲۰ ه.ق)، ۱۰.

^{۵۸} علامه سید ابوالحسن حسینی ندوی، سيرة النبي، مترجم. محمد قاسم قاسمی (کابل: کتابخانه اقرار)، ۳۲۳.

^{۵۹} سعيد خالوزاده، حقوق دیپلوماتیک و قنصلی (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمت مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۳ ه.ش)، ۲۶۰.

دعوت مهم‌ترین و تنها هدف اساسی پیامبر در روابط با طوایف و کشورهای هم‌جوار بود. یگانه‌موردی را که به آن توجه شده در زمان پیامبر عبارت از مذاکره و گفتگو می‌باشد. برای دعوت ممالک غیر، پیامبر سفیرانی را برای تبلیغ به این کشورها اعزام کرد. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم فرستادگانی را که نامه‌های ایشان را به پادشاهان و امیران می‌رساند، بر اساس اخلاق شایسته و نیکو انتخاب می‌کرد و مقصود خود را با سخن کوتاه، روشن و عاری از ابهام بیان می‌نمود.^{۶۰}

شایان ذکر است که پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم بر اهدای هدایا به سفیران و فرستادگان اهتمام می‌ورزید و این کار سنت دیرینه در روابط دیپلماتیک به شمار می‌رفت. آن حضرت هدایا را از آنان می‌پذیرفت و یاران خود را نیز به این کار سفارش می‌کرد.^{۶۱} همچنین پیش از رحلت خویش سفارش فرمود که با فرستادگان و نمایندگان دیگران با احترام و نیکویی رفتار شود.^{۶۲} بعداً به یک پارچه‌گی جامعه پرداخت و از این طریق توانست حوزه حاکمیت سیاسی خویش را توسعه دهد. حتی در جنگ‌های نابرابر نیز با تدابیر خویش توانست نیروی دشمن را در هم بشکند و با امضای پیمان نامه‌ها توانست قبایل اطراف خود را نیز با خود موافق کند. در آن زمان یکی از دولت‌های کم‌نظیری را توانست در جزیره العرب به جهانیان بشناساند.^{۶۳}

دومین هدف مهم در دیپلماسی پیامبر صلی‌الله علیه و سلم توسعه قلمرو سیاسی دولت اسلامی در راستای رسالت جهانی اسلام و به منظور تأمین امنیت و گسترش صلح در میان قبایل و ملل آن روز بود. جامعه عرب از گذشته‌های دور شاهد روابط خصومت‌آمیز در سطح قبایل و دولت‌های هم‌جوار بوده است. در نظام سیاسی حاکم در جامعه عرب، وجود تعدد مراکز فرمانروایی و انعطاف‌ناپذیری سیستم‌های قبیله‌ای، فضای سیاسی جزیره العرب را همیشه در وحشت جنگ و ناامنی و غارت نگه می‌داشت. پیامبر صلی‌الله علیه و سلم اسلام پس از اعلام نظام سیاسی جهانی با مرکزیت مدینه منوره، تلاش کرد تا اقوام و قبایل عرب و سپس سایر ملت‌های آن روز را تحت حاکمیت واحد سیاسی گردآورده و از بروز درگیری‌های ممتد قبیله‌ای جلوگیری کند.^{۶۴}

^{۶۰} لدیمیه عابدی، دبلوماسیة الرسول صلی‌الله علیه و سلم فی رسالیة إلی ملوک وأمراء العالم (بی‌جا: مجلة الإحياء، ۲۰۲۱)، ۱۷۳.

^{۶۱} الزحلی، العلاقات الدولية فی الإسلام، ۱۲.

^{۶۲} سلیم أركون وأمیت أسکین، الهدیة فی دبلوماسیة العصر الإسلامي المبكر ۷-۱۳۲ هـ/ ۶۲۸-۷۵۰ م (ترکیه: المجلة العلمية لرئاسة الشؤون الدينية التركية، ۲۰۲۴)، ۲۸۸.

^{۶۳} ندوی، سیرة النبی، مترجم. محمد قاسم قاسمی، ۲۶۲/۳.

^{۶۴} خالوزاده، حقوق دیپلوماتیک وقنصولی، ۲۶۱.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تبیین علمی مفهوم دیپلماسی، تشریح ساختار دستگاه سیاست خارجی و تحلیل رفتار سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، تلاش کرد تا تصویری روشن و نظام‌مند از مبانی و اصول سیاست خارجی اسلام ارائه دهد. یافته‌های تحقیق نشان داد که دیپلماسی در معنای علمی، نه تنها فن اداره روابط خارجی؛ بلکه روشی نظام‌مند برای تنظیم تعاملات سیاسی میان دولت‌ها است و از لحاظ مفهومی کاملاً مستقل از سیاست خارجی به عنوان «جهت‌گیری کلان دولت» می‌باشد. این تمایز مفهومی، یکی از نتایج مهم تحقیق بود که نشان می‌دهد دیپلماسی ابزار اجرای سیاست خارجی است، در حالی که سیاست خارجی محصول تصمیم‌سازی سیاسی و راهبردی در داخل کشور است. هکذا، دستگاه دیپلماسی هر کشور از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود: کارگردانان سیاست خارجی که در سطوح عالی حکومت قرار دارند و مسؤول تدوین و نظارت بر خط‌مشی خارجی‌اند، و مأموران دیپلماتیک که اجرای سیاست‌ها و نمایندگی رسمی دولت در خارج را بر عهده دارند. یافته‌ها نشان داد که تفاوت میان این دو گروه در جایگاه حقوقی، محل مأموریت، نقش تصمیم‌گیری و ماهیت وظایف به‌طور کامل قابل تشخیص است.

در بخش مربوط به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، تحقیق هذا، ثابت کرد که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم یکی از موفق‌ترین الگوهای دیپلماسی عملی در تاریخ را بنیان گذاشته است. دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و سلم بر پایه گفت‌وگو، دعوت، صلح‌جویی و احترام به کرامت انسانی استوار بود؛ چنان‌که ارسال سفیران، عقد پیمان‌های متعدد، و مراوده مسالمت‌آمیز با دولت‌ها و قبایل مختلف، بخش اصلی سیاست خارجی دولت نبوی را تشکیل می‌داد. پیامبر صلی الله علیه و سلم در اولین سال‌های تشکیل دولت اسلامی، با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک توانست روابط خارجی اسلام را بر پایه حکمت، صلح و عقلانیت شکل دهد و محیطی امن برای گسترش دعوت اسلامی ایجاد کند.

قابل ذکر است که بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر؛ مشخص کرده می‌شود اینکه اصول اساسی سیاست خارجی اسلام بر اساس قرآن کریم و سیره نبوی استوار است. اولاً، اصل نفی سبیل به‌عنوان یکی از مبانی قطعی روابط خارجی اسلام، بر ضرورت جلوگیری از سلطه سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بیگانگان بر مسلمانان تأکید می‌کند و تحقیق حاضر این اصل را در رفتار عملی پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز مشاهده کرد. ثانیاً، اصل دعوت و جهاد بیانگر این حقیقت است که بنیاد روابط خارجی اسلام بر دعوت و صلح است و جهاد تنها در شرایط اضطرار و برای رفع موانع دعوت مشروعیت می‌یابد؛ پیامبر صلی الله علیه و سلم هیچ‌گاه پیش از دعوت، جنگی را آغاز نکرد. ثالثاً، اصل عزت اسلامی نشان می‌دهد که سیاست خارجی اسلام باید بر پایه کرامت، عظمت و استقلال جامعه اسلامی شکل گیرد. این چنین می‌توان اذعان داشت که پیامبر صلی الله علیه و

سلم همواره این اصل را رعایت کرده است. چهارماً، اصل وفای به عهد یکی از ستون‌های مهم سیاست خارجی پیامبر بود و سیره نبوی به‌ویژه در پیمان حدیبیه، نشان می‌دهد که حضرت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم تا آخرین مرحله به تعهدات خود پایبند بودند.

در جمع‌بندی پاسخ پرسش‌های تحقیق هذا، می‌توان خاطر نشان ساخت که دیپلماسی در معنای علمی دارای تعریف مشخص تاریخی و نظری است و با سیاست خارجی تفاوت بنیادی دارد. دستگاه دیپلماسی ساختاری دوگانه دارد که شامل تصمیم‌سازان و مجریان می‌باشد. با در نظرداشت آنچه که فوقاً تحریر یافت نتیجه کار مشترک ما می‌رساند که پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک توانست روابط خارجی دولت اسلامی را بر پایه صلح، دعوت و حکمت بنا کند. اصول بنیادین سیاست خارجی اسلام- نفی سبیل، دعوت، عزت و وفای به عهد- چارچوبی ثابت و قابل‌استنباط از قرآن و سنت به‌شمار می‌روند. همچنین اهداف دیپلماسی پیامبر صلی‌الله علیه و سلم شامل دعوت جهانی به اسلام، ایجاد وحدت، تثبیت امنیت و توسعه قلمرو سیاسی در راستای صلح و نظم اجتماعی بود.

بنابراین، در یک توضیح مختصر یافته‌های تحقیق خودها را چنین تلخیص می‌کنیم این که سیره سیاسی پیامبر صلی‌الله علیه و سلم نمونه‌ای کامل از دیپلماسی موفق، اخلاقی و مبتنی بر عقلانیت است که توانست در مدت کوتاهی جامعه‌ای پراکنده را به یک نظام سیاسی قدرتمند و منسجم تبدیل کند. این دستاورد تاریخی می‌تواند چارچوبی الهام‌بخش برای سیاست خارجی دولت‌های اسلامی امروز باشد و الگوی عملی برای ایجاد صلح، تعامل سازنده و اقتدار عقلانی در جهان معاصر ارائه دهد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آشوری، داریوش. *دانشنامه سیاسی*. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۳.
۲. ابن العربی، أبی بکر محمد بن عبدالله. *أحكام القرآن*. ج ۱. بیروت: الناشر دارالکتب العلمیة، بی تا.
۳. ابن تیمیہ، احمد. *السیاست الشرعیة فی اصلاح الراعی و الرعیة*. بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۸.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. *مقدمه ابن خلدون*. ترجمه محمد پروین گنابادی. ج ۱. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹ ه.ق.
۵. ابن عابد بن، محمد أمين بن عمر بن عبدالعزيز. *رد المحتار علی در المختار*. تحقیق: عادل احمد عبدالموجود. ج ۶. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ه.ق.
۶. ابن هشام، عبدالملک. *السيرة النبوية لابن هشام*. ج ۲. مصر: الناشر مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۷۵ ه.ق.
۷. أبو الحسن، الدار قطنی. *سنن الدارلقطنی*. حققه و ضبط نصه و علق علیه، شعيب الارنؤوط. بیروت: الناشر مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۳ ه.ق.
۸. أركون، سليم و أمیت أسکین. *الهدية في دبلوماسية العصر الإسلامي المبكر ۷-۱۳۲ هـ / ۶۲۸-۷۵۰ م*. ترکیه: المجلة العلمیة لرئاسة الشؤون الدينية التركية، ۲۰۲۴ م.
۹. البخاری، الإمام الحافظ أبی عبدالله محمد بن سماعيل. *صحيح البخاری*. الناشر: بیت الأفكار، ۱۴۱۹ ه.ق.
۱۰. البوطی، الدكتور محمد سعيد رمضان. *فقه السيرة النبوية مع موجز لتاريخ الخلافة الراشدة*. بیروت: المكتبة دار الفكر المعاصر، ۱۴۱۱ ه.ق.
۱۱. الزحیلی، أ.د. وهبة مصطفى. *الفقه الإسلامي وأدلته*. ج ۶. ناشر دارالفکر، ۱۴۰۵ ه.ق.
۱۲. الزحیلی، الدكتور وهبة. *العلاقات الدولية في الإسلام*. ناشر دارالمکتبی، ۱۴۲۰ ه.ق.
۱۳. الشيباني، أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل. *مسند الإمام أحمد بن حنبل*. المحقق: شعيب الارنؤوط. ناشر: مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ ه.ق.
۱۴. القحطاني، د. سعيد بن علي بن وهف. *رحمة للعالمين*. ناشر: موقع وزارت الاوقاف السعودیه بدون بيانات، بی تا.
۱۵. الماوردي، أبی الحسن علی بن محمد بن حبيب. *الأحكام السلطانية و الولايات الدينية*. حققه. الدكتور أحمد مبارك البغدادی. کویت: ناشر دار ابن قتيبة، ۱۴۰۹ ه.ق.

۱۶. العمری، اکرم ضیا. جامعه مدینه زمان محمد رسول الله خصوصیات. تنظیم و تشکیل اولی آن. مترجم. عبد الجبار ثابت. کابل: انتشارات میوند، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۱۷. المقدسی، موفق الدین عبدالله بن احمد بن قدامة. المغنی. ج ۹. ناشر دار الإحياء التراث، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۱۸. الوکیل، محمد سید. درس های از سیرت النبی. مترجم. مؤمن حکیمی. کابل: انتشارات سعید، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۱۹. تفسیر کابلی. ج ۱. قطر: ۱۴۱۱ هـ.ق.
۲۰. حبش، محمد. الإسلام والدبلوماسية. بی جا: ۲۰۱۳.
۲۱. حبش، د. محمد. مستشار مرکز الدوحة الدولي لحوار الأديان. الإسلام والدبلوماسية. بی جا: ۱۴۳۴ هـ.ق.
۲۲. حمید الله، محمد. مجموعة الوثائق السياسية للعهد النبوية و الخلافة الراشدة، جمعها. ناشر: دارالنفائس، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۲۳. خالوزاده، سعید. حقوق دیپلماتیک و کنسولی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۳.
۲۴. خطاط، محمد شیت. سفراء النبی صلی الله علیه و سلم. جده: دارالاندلس الخزراء، ۱۹۹۸ م.
۲۵. خلاف، عبدالوهاب. السياسة الشرعية فی الشؤون الدستورية و الخارجية و المالية. ناشر دارالانصار، ۱۳۹۷ هـ.ق.
۲۶. خلاف، عبدالوهاب. السياسة الشرعية فی الشؤون الدستورية و الخارجية و المالية. ناشر دارالقلم، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۲۷. ذوالعین، پرویز. حقوق دیپلماتیک. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۲۸. رحیمی، عتیق الله. حقوق دیپلماتیک و قنسولی. کابل: انتشارات سعید، ۱۴۰۴ هـ.ش.
۲۹. روابدة، میساء علی. السياسة الخارجية فی ضوء السنة النبوية. بی جا: ۲۰۱۵ م.
۳۰. سامه، عبدالشکور بن عبدالله. تفوق العلاقات الدبلوماسية فی عهد الرسول صلی الله علیه وسلم فی المدينة المنورة من السنة الأولى الى السنة الخامسة الهجرية. بی جا: جامعة السلطان الشریف علي الإسلامية، ۲۰۲۳.
۳۱. صمیم، عبدالقهار. نظام اقتصادي اسلام. کابل: انتشارات تمدن شرق، ۱۳۹۴.
۳۲. عابدي، لدمية. دبلوماسية الرسول صلی الله علیه وسلم في رساليه إلى ملوك وأمراء العالم. بی جا: مجلة الإحياء، ۲۰۲۱.

۳۳. عزاوی، حلیمه. *أصول الدبلوماسية في الإسلام: دراسة مقارنة بالقانون الوضعي*. بی جا: ۲۰۱۶.

۳۴. ماوردی، ابوالحسن. *الاحکام السلطانية*. قاهره: انتشارات دارالحديث، ۱۹۸۵.

۳۵. ندوی، علامہ سید ابوالحسن حسنی. *سيرة النبي*. مترجم. محمد قاسم قاسمی. ناشر کتابخانہ اقراء، بی تا.

۳۶. نھاد یوسف شکرى الثلاثيني، *الدبلوماسية في ضوء السنة النبوية: دراسة موضوعية*. بی جا: بی تا.